

کابین - کیف

کابین:

رجوع کنید به: مهر، مهریه

کارمزد:

اجرت کار، حق العمل

کافر:

کسی که به اسلام معتقد نیست.

کافر شامل چهار دسته می شود.

۱- کسانی که وجود خداوند را قبول ندارند.

۲- کسانی که یگانگی خداوند را قبول ندارند.

۳- کسانی که پیامبری رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم را قبول ندارند.

۴- کسانی که منکر یکی از ضروریات دین هستند و انکار آن به انکار توحید یا رسالت بر می گردد.

کافر حربی:

کافری که با مسلمین پیمان ترک مخاصمه ندارد و یا در حال جنگ است.

کافر ذمی:

اهل کتابی که در بلاد اسلامی با شرایط مخصوص، در پناه حکومت اسلامی زندگی می کند.

کافور:

ماده خوشبویی است که در غسل دادن و حنوط میت بکار می رود.

کالبد شکافی:

رجوع کنید به: تشریح.

کالی به کالی:

رجوع کنید به: نسیه به نسیه.

کاهن:

کسی که به امر کهانت اشتغال دارد. رجوع کنید به: کهانت.

کبائر:

رجوع کنید به: گناهان کبیره.

کبر:

خود بزرگ بینی، اینکه انسان خود را بزرگ تر از دیگران بداند.

کتابی (کتابیه):

رجوع کنید به: اهل کتاب.

کتب ضلال:

کتابی که مشتمل بر عقاید مخالف اسلام باشد یا اینکه عقاید انحرافی و یا مسائل غیراخلاقی را ترویج کند.

کثیر الشک:

کسی که زیاد شک می کند.

کذب:

دروغ، خبر دادن نادرست از چیزی یا کسی به عمد.

گر:

رجوع کنید به: آب گر.

کراهت:

رجوع کنید به: مکروه.

کرایه:

اجرت، اجاره بها.

کسب لایق بحال:

کسبی که مناسب با جایگاه اجتماعی شخص باشد.

کسر:

کمبود.

کم کردن.

کسوف:

خورشید گرفتگی.

کشف خلاف:

آشکار شدن خلاف.

کفالت:

عقدی است که به موجب آن یک طرف در مقابل طرف دیگر، احضار شخص ثالثی را تعهد می کند. سرپرستی امور ایتم.

کقاره:

کاری که مکلف باید به عنوان جریمه مخالفت خود با امر یا نهی الهی انجام دهد.

کقاره جمع:

همه کفاره ها، مثلاً ۶۰ روز روزه گرفتن و اطعام ۶۰ فقیر در کفاره روزه.

کقاره تأخیر:

کفاره ای که به سبب تأخیر قضای روزه باید پرداخت شود.

کفن:

لباس مخصوص میت که دارای ۳ قطعه است:

۱) مِئَر (لنگ) ۲) قمیص (پیراهن) ۳) إِزار (سرتاسری).

کفو:

هم شأن، همپایه.

کفیل:

کسی که کفالت دیگری را به عهده می گیرد.

کفین:

دو دست (از مچ تا نوک انگشتان).

الکل صنعتی:

الکل متیلیک که از تقطیر چوب به دست می آید و قابل شرب نیست و در صنعت به کار می رود.

کلاله:

برادر و خواهر میت.

کلی:

عام، غیر معین.

کم:

میزان و مقدار.

کهانت:

پیشگویی قطعی به شیوه های غیر معمول.

کیف:

چگونگی و حالت.